



سرمقاله

## رهپویی تا اقالیم قبله

### اول.

پیروزی انقلاب اسلامی، فرصتی برای تشیع پدید آورد تا برای افکار عمومی کنجکاو جهان، از اسلام و تشیع و عاشورا بگوید و در آوردگاه مکاتب و آزمون اندیشه‌ها، تصویری از جامعه مبتنی بر دیانت و امامت عرضه کند.

اما برای دشمنان و رقیبان، تحمل این ندای پرجاذبه و در پی آن سربر آوردن مجدد تمدن سبز - اسلام -، ناممکن نموده است، و از آغازین روزها علاوه بر همه گونه توطئه‌ها و موانع اجتماعی و اقتصادی و امنیتی، حملات فکری و رسانه‌ای علیه اسلام و تشیع را شدت بخشیده‌اند، تا مگر از آشفته بازار فکری جهان، متاع ایمان را به سرقت برند و ایمانیان را به زعم خویش، ورشکسته سازند.

هجوم به مبانی فکری اسلام و تشیع، تحقیر دستاوردهای تمدن کهن مسلمین و انقلاب نوین اسلامی، تهمت به مردان اندیشه و مبارزه دنیای اسلام، محاصره رسانه‌ای و فرهنگی ملل اسلامی و ...، همگی برای آن بوده تا دشمنان، شاخه‌های این شجره طیبه را بی‌برگ و بار، و ریشه‌هایش را هوازده و پوسیده نشان دهند.

زین رو، پاسداری حریم معارف اسلامی و اعتقادات دینی از گزند تحریف و التقاط، و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات، فراتر از یک نیاز علمی و فرهنگی، راهبردی برای صیانت از هویت و بنیان اسلام و انقلاب اسلامی است.

اما این مهم به انجام نمی‌رسد، مگر با پرورش عالمان دین؛ آن گونه که با حفظ اصالت اسلام، آن را متناسب با پرسش‌ها و مطالبات روز جهان، تبیین کنند، و با مکاتب انحرافی بشری و ادیان التقاطی، هم‌اوردی کنند، تا گوهر ایمان را بر پایه باور عقلانی

و نیاز فطری بشر، استوار سازند.

لذا فهم استوار منابع و معارف اسلامی و تبیین متین و بی‌خلل آموزه‌های پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، آمیزه‌ای از دانش و مهارت کلامی، و تسلط بر منابع عقلی و نقلی اسلام، و توان مقایسه و نقد پیرامون دستاوردهای دشمنان و رقیبان را می‌طلبد؛ از دشمنان کهنی هم‌چون الحاد قدیم و جدید، و رقیبان غیرمنصفی مانند مسیحیت گرفته، تا برادرانی چون سلفیه و صوفیه و شیخیه و ...، که در کار تدبیر یوسف، به چاه و گرگ می‌اندیشند!

## دوم.

امروز، به دلیل دیگرگونی تکنولوژی ارتباطات و فضای تعامل جهانی، مخاطبان و جستجوگران معارف اسلامی تا کشورها و جوامع غیرمسلمان و حتی غیردینی؛ توسعه یافته‌اند، و تبیین عقلانی معارف اسلامی، برای جهانی که بسیاری از آنها، سیصد سال است که از انبیا روی گردانده‌اند، بیش از هر زمان دیگر ضروری می‌نماید.

گرچه تعقل، در تأملات منطقی و فلسفی منحصر نیست و بسیاری از علوم اسلامی بویژه اصول فقه و کلام شیعی، وامدار و سرمایه‌گذار تأملات عقلانی مسلمین در مسیر فهم و تبیین معارف اسلامی هستند، اما سهم بلامنازع منطق و فلسفه در تنقیح قضایای عقلی و پیشبرد عقلانیت در تمدن اسلامی، بر کسی پوشیده نیست.

خردورزی‌های سخت‌کوشانه و متعهدانه یکایک سرآمدان فلسفه، از فارابی و ابن‌سینا گرفته تا سهروردی و ملاصدرا، کارنامه درخشانی در هدایت دستگاه فلسفی موروثی یونان، به سوی الهیات و محتوای معرفتی اسلام، گسترش بنیادهای عقلانی تدبیر، و ساخت و تکمیل دژهای تبیین و مدافعه عقلانی از ساحت ایمان و عقیده مسلمین بر جای گذاشته است. در این میان، سهم فیلسوفان شیعی، بسی ممتازتر از دیگران می‌نماید؛ چه این که، یافتن حقایق دینی توسط عقل، در یرتو هدایت و حیانی و امامت اهل بیت علیهم‌السلام، ممکن‌تر و تضمین‌شده‌تر است.

البته از آنجا که کوشش‌های خردورزانه عالمان و فیلسوفان شیعی نیز، مانند اجتهادات فقهی و کلامی و هر تلاش علمی و عقلانی دیگر، مشمول قاعده کلی خطاپذیری بوده و هست، حتی بزرگی و عظمت دستاوردهای دستگاه فلسفی مسلمین و ابتکارات متفکران مسلمان در پی‌ریزی فلسفه اسلامی نیز، راه را بر بازخوانی و بررسی بنده و هاله‌ای از تقدیس و تعبد را بر گرداگرد آنها نمی‌افکند، تا آرای

آنان از جنس مشاهدات لاهوتی، و تصدیق استدلالات ایشان در زمره مقامات معنوی درآید! اما خطا در یک یا چند رأی فلسفی، نمی‌تواند دستاویزی برای انکار فایده و ضرورت کلی فلسفه گردد و زحمات و تلاش‌های بسیاری از اعلام تفکر و بزرگان تشیع، یکسره بنیادی بر آب و سرابی موهوم انگاشته شود؛ که اگر چنین روا می‌بود، به بهانه خطاهای علمی یا مواجهه کم و بیش در تاریخ برخی از علوم و عالمان با اهل بیت علیهم‌السلام، باب بسیاری از علوم اسلامی بسته می‌شد، و هیچ فقیه و متکلم و مفسر و محدث و فیلسوف و ادیب و مورخ اسلامی، شایسته تکریم و مستحق تعظیم نمی‌گردید.

لذا فهم، بازخوانی و توسعه متاملانه مسائل و روش‌های فلسفی، ضرورتی است گریزناپذیر، و روزه‌ای است گشوده به آینده آفاق عقلی اسلام؛ چه این که جز از این رهگذر نمی‌توان جاده عقلانیت را به سوی اقالیم قبله، امتداد بخشید.

### سوم.

آنچه در پیش رو دارید، رهاورد نخستین سال از تجربه تعدادی از دانش‌پژوهان جوان حوزه علمیه مشهد در حلقه‌های حکمت و کلام است که نخستین تولیدات و نقدهای کلامی و فلسفی خود را مشق کرده‌اند و در جلسات هفتگی با شور و نشاط، به بحث و گفتگوی علمی پرداخته‌اند.

امید می‌رود که در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد بالندگی علمی ایشان، و ظهور متألهان و حکیمان و متکلمانی متعهد و پویا باشیم، و در سایه آن، نظاره‌گر فزونی توش و توان حوزه برای پاسخ به نیازها و پرسش‌های مشتاقان حقیقت و جویندگان معنویت؛ ان شاء الله تعالی.